

تأثیر امنیت اجتماعی در افزایش و کاهش عملکرد سرمایه اجتماعی، مشارکت و

امنیت پایدار پلیس

روح‌الله موحدی بهروز^۱، حسین راشدی^۲، جواد الماسی^۳، ندا بروشک^۴، مهدی هاشمی مشعوف^۵

تاریخ وصول: 1394/06/12 تاریخ پذیرش: 1394/07/10 21-45

چکیده

ارتقای سرمایه اجتماعی در حوزه عملکرد امنیت پلیس جامعه‌محور، از طریق راهبردها و توانمندی‌های مستمر و پایدار در تمام ابعاد می‌تواند بستر مناسبی برای نظارت، اعتماد، جامعه‌پذیری، جلوگیری از ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی در جهت حفظ نظم جامعه باشد. سازمان پلیس می‌تواند با افزایش و بهبود سیستم پاسخگویی به مردم، نسبت به عملکرد خود در سطح جامعه به افزایش سرمایه اجتماعی و بالا بردن اعتماد شهروندان نسبت به سازمان خود کمک کند. عملکرد افزایش امنیت اجتماعی پایدار پلیس جامعه‌محور باید متناسب با فرایند جامعه‌پذیری مسلط در جامعه، در جهت آموزش و نهادینه کردن ارزش‌ها، هنجارها، عرف‌ها، سنت‌ها، و پیامدهای مثبت جمعی باشد. این فرایند به مثابه نوعی تأثیر عملی سرمایه اجتماعی بر عملکرد امنیت اجتماعی پایدار پلیس جامعه‌محور بر مبنای برقراری کنترل نظم و اعتماد اجتماعی همه-جانبه و پایدار در جامعه مدنی می‌باشد. بدین ترتیب، در تحلیل رابطه‌ی امنیت اجتماعی و عملکرد سازمان پلیس باید نقطه‌ی عزیمت را سطح تحلیل فعالیت‌ها، نگرش‌ها و عملکردهای شهروندان قرار دهیم که این نقاط در جهت تقویت امنیت کلی، پایدار و نظم ملی مؤثر می‌باشد. در این راستای یکسری از راهبردها و راهکارها را پیشنهاد داده‌ایم.

واژگان کلیدی: امنیت اجتماعی، مشارکت و امنیت پلیس، سرمایه اجتماعی.

1 - کارشناس ارشد مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان.

2 - دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، بروجرد، ایران. (نویسنده مسئول):

Hosein.rashedi90@gmail.com

3 - عضو هیأت علمی گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهار

4 - دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، بروجرد، ایران.

5 - کارشناس ارشد رفتار حرکتی ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.

مقدمه

در دو دهه اخیر، سرمایه اجتماعی به مثابه یک دارایی نامشهود سازمانی مورد توجه علاقه‌مندان به مباحث سازمان و مدیریت سازمانی قرار گرفته است. این پدیده به-عنوان یک سازه ضرورت‌مند، سودآور و مفید در درک روابط اجتماعی میان سازمان و شهروندان در موقعیت‌های گوناگون نقش بسیار مؤثری می‌تواند ایفا کند. این پدیده بر اساس عرف، سنن، هنجارها، و نهادهایی که در بستری از روابط اجتماعی بین سازمان‌ها و شهروندان به صورت رسمی و غیررسمی در طول نسل‌ها شکل گرفته و موجب اعمال نوعی نظارت و کنترل اجتماعی بر مبنای ساختار جامعه پذیری شده است، بنا گردیده است.

در جامعه‌ای که پلیس از طریق عملکرد امنیت اجتماعی پایدارش نقش محوری در آن جامعه داشته باشد، سرمایه اجتماعی آن با یک پیوند معنایی و رویکردی عملی روبرو است؛ این رویکرد باید در قالب بسترسازی مشارکت شهروندان در حوزه امنیت اجتماعی، ایجاد نظم از سوی گروه‌های مدنی، اعتماد سازی، و... همراه باشد تا بتواند در جهت تحقق اهداف سازمانی خود، گام اساسی بر دارد. به عبارت دیگر، پلیس و فعالیت‌های مختلف و متنوع آن در جهت نظم، کنترل و توسعه امنیت همه-جانبه با تأکید بر اساس شناخت متقابلی از قابلیت‌ها، توانمندی‌ها، ارزش‌های ملی، دینی، فرهنگی و محیطی شهروندان و بالعکس باید داشته باشد، تا از این طریق بتوان نوعی پیوند بین پلیس و سرمایه اجتماعی را به وجود آورد.

در واقع، تقویت سرمایه اجتماعی در حوزه پلیس با منافع عمده‌ای چون ایجاد اعتماد و امنیت اجتماعی، مشارکت در فعالیت‌های خواسته شده پلیس از شهروندان، تقویت نظم اجتماعی، افزایش کنترل اجتماعی، پایین آوردن نرخ جرم و جنایت، پاک‌سازی محلات و مناطق جرم خیز، افزایش نظارت بر عملکرد مأموران، تقویت

دانایی محوری و دانش مدیریتی و... می‌تواند در جوامعی که به سمت مدنیت حرکت می‌کنند، همراه باشد.

طرح مسأله

تأکید بر اهمیت شایان توجه به سرمایه‌ی اجتماعی برای جامعه و سازمان‌های اجتماعی، عوامل مؤثر بر افزایش میزان سرمایه‌ی اجتماعی را در کانون توجه قرار می‌دهد؛ و از آنجا که وجود ناامنی، تهدید آسیب‌های اجتماعی، عدم نظم و کنترل اجتماعی در جامعه منجر به ایجاد خدشه بر کرامت انسانی، خروج از سرمایه‌های اجتماعی و کاهش عزم ملی شهروندان برای بی‌اعتمادی نسبت به فعالیت‌های پلیس و عدم مشارکت همه‌جانبه و پایدار با پلیس خواهد شد، و این پیامدها و فعالیت‌ها، سلامت پایدار جامعه را تهدید می‌کند؛ لذا در این مقاله به دنبال بررسی نقش سرمایه‌ی اجتماعی در افزایش عملکرد امنیت اجتماعی پایدار پلیس جامعه محور می‌باشیم. چه ابزارها و راهکارهایی می‌تواند تعامل این دو حوزه را در جامعه‌ای که به سمت مدنیت سوق می‌یابد، در میان شهروندانش گسترش داد؟

اهمیت موضوع

در جامعه‌ای که پلیس در نظم و امنیت اجتماعی پایدار آن جامعه سهم عمده و محوری خواهد داشت و این مسأله مهم‌ترین عملکرد این سازمان را شکل می‌دهد، تلاش بسیاری صورت می‌گیرد تا سطح همکاری درون سازمانی، بین سازمانی، برون سازمانی و بین‌المللی خود از راه‌های گوناگون ارتقاء داده شده و تقویت گردد. یکی از این تلاش‌های مستمر حفظ و تقویت سرمایه‌ی اجتماعی در تمام عرصه‌های سازمانی به خصوص عملکرد امنیتی پایداری این سازمان می‌باشد، که کارکردهای این پدیده منجر به کاهش سطح هزینه‌های تبادلی و ارتباطی پلیس با جامعه خواهد شد. در واقع، اجرای یک‌سری از مجموعه هنجارها و ارزش‌هایی که مورد پذیرش

پلیس و شهروندان جامعه قرار می‌گیرد، به کاهش چنین سطحی کمک می‌کند، و این پذیرش در قالب متغیرهای مستمر و پایدار (اعتماد، مشارکت و انسجام) پلیس با جامعه شکل می‌گیرد، که منجر به نقش مؤثر سرمایه اجتماعی در عملکرد امنیت اجتماعی پلیس خواهد شد.

تقویت سرمایه اجتماعی در جامعه را باید تأثیر مختلف حوزه‌های زیر مجموعه سازمان پلیس هر جامعه در کنار استمرار روابط انسانی پلیس با شهروندان و نهادهای اجتماعی هر جامعه‌ای دانست. همچنین، سرمایه اجتماعی در عملکرد امنیتی پلیس در جامعه شامل مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهایی است که همگی بر روی کمیت و کیفیت تعامل اجتماعی و عملکرد پلیس با شهروندان و نقش محوری آن در جامعه اثر گذار است. تجارب به‌دست آمده از فعالیت‌ها و عملکرد امنیت اجتماعی سازمان پلیس در هر جامعه‌ای بیانگر این است که مهم‌ترین شاخص‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد، انسجام، مشارکت) سازمان پلیس تا چه حد تأثیر قابل توجهی بر (نظم، کنترل اجتماعی، کاهش آسیب‌های اجتماعی و نابهنجاری‌ها، پایین آمدن نرخ جرم و جنایت، انحراف اخلاقی، ترافیک، تقویت ارزش‌های ملی و بومی، میزان رضایت و همکاری شهروندان، توسعه جامعه، افزایش امنیت، اعتماد و ارتقای دانش مدیریتی، دانایی محوری و...) گذاشته و یا خواهد گذاشت.

سرمایه اجتماعی مجموعه معینی از ارزش‌ها و هنجارهای غیررسمی و رسمی است که اعضای گروه یا شهروندان با سازمان‌ها و نهادهای جامعه از طریق همکاری، اعتبار و اعتمادشان نسبت به فعالیت‌های یکدیگر به‌دست می‌آید؛ به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی پدیده‌ای است که حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر روی کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی می‌باشد. «سرمایه اجتماعی گاهی اوقات دارایی فرد به‌شمار می‌آید. در آن صورت، به

شبکه‌های اجتماعی گسترده و منابع قابل دسترس برای فرد تأکید می‌گردد، و در مواردی دیگر به کیفیت این روابط در قالب هنجارهای اعتماد و همیاری پرداخته می‌شود. در اینجا سرمایه اجتماعی دارای جمع قلمداد می‌گردد.» (توسلی و همکاران، 1384: 2)

با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی در افزایش عملکرد امنیت اجتماعی پلیس جامعه‌محور و با توجه به این‌که پاسخ پلیس به مردم، نقشی اساسی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی، امنیت پایدار و اعتماد به پلیس را ایفا می‌کند، پلیس می‌تواند با افزایش و بهبود سیستم پاسخگویی خود به شهروندان، به افزایش اعتماد شهروندان به پلیس کمک کند.

امنیت اجتماعی و پلیس جامعه‌محور

فلسفه پلیس جامعه‌محور از دهه‌ی 1980 به این سمت مطرح شد که به دنبال تغییر الگوهای سنتی کنترل اجتماعی در میان شهروندان جامعه باشد. از نظر فریدمن، پلیس جامعه‌محور عبارتست از «راهبرد و خط مشی انتظامی که با هدف دستیابی به کنترل مؤثر و کارآمد جرائم و کاهش ترس از جنایت، توسعه‌ی کیفیت زندگی، گسترش خدمات پلیسی و مشروعیت کار پلیس از طریق تکیه بر منابع جامعه، در حدود تغییر شرایط جرم خیز می‌باشند. این امر مستلزم مسؤولیت‌پذیری بیشتر پلیس، سهیم شدن فعال‌تر و بیشتر جامعه در فرایند تصمیم‌گیری و توجه بیشتر به حقوق و آزادی‌های مدنی است» (علی نژاد، 1388: 90)

در واقع، این تعامل متقابل و فعالیت‌ها باید دو سویه باشد و هدف پلیس محله و شهروندان رسیدن به یک نقطه مشترک باشد، که این خود در یک ساختار کلی منجر به اثرگذاری نقش سرمایه اجتماعی در عملکرد امنیتی پلیس جامعه‌محور خواهد

بود؛ چنین تعامل متقابلی ناشی از ارتقای کیفیت و کمیت روابط اجتماعی پلیس و شهروندان در سطوح (کلان، میانه و خرد) شکل می‌گیرد، و به نوعی دارایی جمعی پلیس محسوب می‌گردد. بنابراین، سرمایه اجتماعی نقش بارزی در عملکرد امنیت اجتماعی سازمان پلیس محور را به صورت یک پدیده جمعی دارد. برقراری امنیت اجتماعی پلیس در هر جامعه‌ای را باید در هر کوی و برزن بسط و گسترش داد، تا از این طریق پلیس به عنوان یک عضو اجتماعی محله محسوب گردد؛ و با شناختی که پلیس محله از وضعیت آن محله دارد، به رفع نیازهای شهروندان از جمله بسترسازی امنیت اجتماعی محله پردازد؛ و با کمک شهروندان آن منطقه بتواند نقاط جرم خیز را محدود و پاک سازی نماید و با ایجاد نوعی احساس امنیت روانی و اجتماعی اعتماد، انسجام، مشارکت را در میان شهروندان تحت عنوان سرمایه اجتماعی زیر پوشش خود قرار دهد.

پلیس جامعه محور برای ارتقای سرمایه اجتماعی خود باید با تأکید بر پیش‌گیری و پیش‌دستی از وقوع جرم و انحرافات اجتماعی، ساماندهی این نابهنجاری‌ها و آسیب‌های جامعه با تأکید بر مشارکت عملی شهروندان عملکرد امنیت اجتماعی خود را در جامعه بسط دهد. بر این اساس، جلب مشارکت‌های شهروندی، توجه به تشکل‌های مردم نهاد (NGO) به عنوان راهبرد غالب، پرورش توانمندی‌های شهروندان، مشارکت‌های همدلانه با شهروندان برای شناخت پیامدها و مسائل اجتماعی و انتظامی، آگاه سازی از مسائل امنیتی و... می‌تواند نقش بارزی در تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی در عملکرد امنیت اجتماعی پلیس جامعه محور داشته باشد. بنابراین، ایجاد راهکارهای مشارکت عمومی بین پلیس با جامعه می‌تواند کمک بسیاری به تقویت ارتباط بین سرمایه اجتماعی و پلیس جامعه محور نماید. باید بتواند به شیوه‌های مؤثرتر به حل معضلات، مشکلات و مشارکت پلیس و جامعه پردازد.

پلیس جامعه‌محور از طریق ارتقای کیفیت زندگی (فرهنگی، اجتماعی، روانی، اخلاقی، امنیتی و...) باید، اهداف پیشگیری از وقوع جرم، نظم و امنیت اجتماعی را رسالت خود قرار دهد و با ارائه مکانیسم‌های خاص با توجه به شناخت از جامعه، محله، محیط و بازگشت مجدد نظم به جامعه و محل زندگی شهروندان بدون این‌که حضور فیزیکی داشته باشد، یک نوع وحدت عملی و علمی را در کنترل اجتماعی و حفاظت از نظم در جامعه ایجاد کند. وجود چنین عملکردی، توانمندی پلیس جامعه‌محور را افزایش می‌دهد. و همچنین ترغیب خودکنترلی شهروندان را که بیانگر رابطه تنگاتنگ پلیس با شهروندان است افزایش می‌دهد. در واقع وجود چنین انگیزه‌های، پارامترهایی منجر به تبیین و تقویت سرمایه اجتماعی و پلیس جامعه‌محور از طریق شناخت اعتماد، انسجام و مشارکت شهروندان با سازمان پلیس خواهد شد.

پلیس جامعه‌محور برای این‌که به چنین رویکرد و ارتباط تنگاتنگی دست یابد، باید ویژگی‌ها و خصوصیات خاصی به خود گیرد که به اختصار به برخی از این ویژگی‌ها اشاره می‌کنیم. «الف: براساس الگوهای جامعه‌محور در جوامع، پلیس باید به‌طور طبیعی توسعه سازمانی خود را با شرایط موجود در جامعه سازگاری دهد؛ و قدرت شناسایی و حل مسائل را به‌دست آورد. (قدرت انطباق در الگوی جامعه‌محور). ب: افزایش درک و اعتماد بین پلیس و مردم، و حاکم بودن روحیه برابری احترام متقابل به شهروندان از دیگر ضرورت‌های ایجاد پلیس جامعه‌محور در هر جامعه‌ای می‌باشد. پ: تغییر نگرش عملکرد اجرایی پلیس از رسیدگی به رویدادها و وقایع به سمت حل مشکلات (ریشه‌یابی، و توجه به علت‌ها به‌جای معلول حوادث) ت: برقراری رابطه و تعهد مردم بین پلیس‌ها و ایجاد نظارت متقابل بین آن‌ها برای دستیابی به امنیت و رفاه اجتماعی. ث: این رویکرد نیازمند دور

اندیشی برنامه‌ریزی راهبردی، کارگروهی و حل مشکل است. ج: پلیس جامعه‌محور مأمورین را متعهد می‌سازد که از طریق تحصیل علم و گذاران دوره‌های آموزشی نسبت به پرورش مهارت خود، افراد سازمانی خود را دانا‌محور کند. چ: کاهش تمرکزگرایی در حوزه خدمات، عملیات و مدیریت و ترغیب و تشویق همه‌جانبه به خلاقیت و نوآوری برای حل مسأله، کمک شایانی به بسترسازی الگوی جامعه‌محور پلیس خواهد کرد» (میس و همکاران، 1385: 410).

با توجه به الگوها و رویکردها، حوزه پلیس جامعه‌محور سعی دارد که سرمایه اجتماعی حاکم بر جامعه و محله را شناخته و آن‌ها را در جهت تحقق مهم‌ترین هدف سازمانی خود (عملکرد امنیت اجتماعی پایدار) به کار گیرد، و این امر مستلزم آن است که شناخت دقیق و موشکافانه‌ای از استعدادها، خلاقیت‌ها، توانمندی‌های موجود شهروندان جامعه و محلات داشته باشد و از طرف دیگر، ساختار رفتاری مأمورین سازمان پلیس را با شهروندان جامعه و محلات تعدیل نماید. در واقع، پلیس بایستی از طریق بسیج عمومی مردم، قابلیت‌ها و توانمندی‌های نهفته در جامعه و محلات را تحت پوشش برای حل مسائل و آسیب‌های اجتماعی قرار دهد. سرمایه اجتماعی به چنین پلیسی امکان می‌دهد، تا استعداد و پتانسیل‌های موجود را در جهت کنترل مؤثر بر جرائم و آسیب‌های اجتماعی رصد نماید؛ و این امر مستلزم تعاملات سازنده و پیگیرانه پلیس با شهروندان می‌باشد که در نقش جامعه‌محوری پلیس نمود پیدا می‌کند.

امنیت اجتماعی و عملکرد اجتماعی پلیس

عملکرد امنیت پایدار پلیس بر ابعاد چندگانه‌ای تأکید داشته و خواهد داشت؛ این نوع عملکرد بر پایه دو بعد را می‌توان بیان کرد: اول) ماهیت شاخص و معیار

عملکرد پلیس که اشاره به (برون داد، یا نتایج) نقش و وظایف سازمانی پلیس در سطح جامعه می‌کند. دوم) راهبردهای عملکرد پلیس، که به (کاهش جرم یا رضایت شهروندان) از کارکردها و نتایج سازمانی خود در سطح جامعه اشاره می‌کند؛ بر اساس این دو بعد، سه نوع شاخص عملکردی پلیس در رابطه با سرمایه اجتماعی را می‌توان شامل میزان پاک‌سازی، نرخ ارتکاب جرم، نرخ یا تعداد شکایت از پلیس در سطور ذیل به اختصار بیان کرد.

با توجه به ماهیت شاخص عملکرد پلیس در دو حوزه (برون داد یا پیامدها) می‌توان سرمایه اجتماعی عملکرد امنیت پایدار پلیس را این‌گونه بیان کرد که سرمایه اجتماعی عملکردی امنیت پلیس در چارچوب یک نظام باز، شامل درون داده‌های خدماتی است که تبدیل به برون داده‌های خدماتی شده است سپس برای تطبیق درون داده‌های جدید و اصلاح آن‌ها باید از معیار بازخورد استفاده کرد. در حوزه تقویت و ارتقای سرمایه اجتماعی نظام باز عملکرد امنیت پایدار پلیس، درون داده‌ها شامل محصولات، کالاها و خدماتی است که به شهروندان ارائه شده است. بخشی از این خدمات شامل (تحقیقات جنایی، کنترل ترافیک، بازداشت‌ها، دادگاه‌ها و...) است؛ در مقابل برون داده‌های عملکرد امنیت پایدار پلیس تأکید بر نتایج، پیامدها، و تغییراتی می‌کند که در سطح جامعه قابل رؤیت و درک معنایی می‌باشد. در واقع، عملکرد برون‌دادی امنیت پلیس مرتبط با سرمایه اجتماعی به تأثیر عملیات و عملکرد پلیس نسبت به سطوح وقوع جرم، بی‌نظمی اجتماعی، امنیت، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و... در سطوح خرد، میانی و کلانی جامعه اشاره می‌کند. چنین عملکردی در سطح جامعه بیانگر این است که جوامعی که به سمت مدنیت و شهروندمداری حرکت می‌کنند، عملکرد دستگاه‌ها و نهادهای آن جامعه، از جمله

سازمان پلیس را بهتر مورد ارزیابی قرار می‌دهند، و این سنجش به پیشرفت همه جانبه سازمان کمک بسیاری می‌کند.

در واقع، تقویت سرمایه اجتماعی پلیس توانسته است مسئولیت پذیری پلیس را افزایش دهد و پاسخگوپذیر بودن پلیس نسبت به شهروندان را به همراه آورد. جامعه‌ای که به سمت مدنیت بیشتر سوق یافته باشد، به دلیل اینکه از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار است، به احتمال بیشتری از پلیس و عملکرد امنیت پایدار آن تقاضا دارد که این نهاد کنترل کارا تر و مؤثرتری نسبت به نظم، کنترل اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم و آسیب اجتماعی ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، تقویت و افزایش سرمایه اجتماعی میان شهروندان وجود یک نوع سازوکار نظارت اجتماعی غیررسمی را برای تسهیل امنیت پایدار و تقویت نظم در جامعه فراهم می‌کند و این خود بیانگر این است که شهروندان به صورت غیرمستقیم در عملکرد امنیت پایدار پلیس مشارکت اجتماعی دارند.

در حوزه‌ی تبیین سرمایه اجتماعی و عملکرد امنیت پایدار پلیس باید به نرخ جرم و جنایت هم توجه باید کرد. در جوامعی که نرخ محرومیت اقتصادی و ناهمگونی جمعیتی بالا باشد، این شرایط باعث شده که شبکه‌های اجتماعی اولیه و ثانویه بین شهروندان و جامعه توسعه نیافته شکل نگیرد. در نتیجه، جامعه با کاهش ظرفیت برای اعمال کنترل اجتماعی، به‌ویژه بر روی رفتار جوانان روبه‌رو می‌شود و این ضعف نظارت اجتماعی موجب آسیب‌زدگی و رشد انحرافات اجتماعی در جامعه، به خصوص افزایش میزان جرم و جنایت در بین جوانان شهروند شده و توانمندی گروه‌های اجتماعی حاضر جامعه را برای سازماندهی و حفاظت از نظم کم‌رنگ‌تر می‌کند، و بی‌اعتمادی، سوءظن به پلیس را افزایش می‌دهد؛ و در نتیجه، زمینه مساعدی برای جرم و جنایت فراهم می‌گردد. از بُعد دیگر، برای این‌که بتوان

سرمایه اجتماعی عملکرد امنیت پایدار پلیس را تقویت کرد، باید این سازمان نسبت به این که برخی از مأموران آن از قدرت و زور به عنوان یک ابزار که جامعه را تحت کنترل دارند و به نفع و سودمندی خود قرار می‌دهند، نگران باشد. شکایت شهروندان از پلیس در بسیاری از مواقع موجب نگرانی این سازمان شده است. استفاده صحیح از زور و قدرت موجب کاهش اعتماد و اطمینان افراد جامعه به پلیس می‌شود. سازمان، افسر پلیس را به این دلیل افسر کرده که موجب ایجاد اعتماد بین پلیس و شهروندان شود، نه این که تضاد بین پلیس و شهروندان را افزایش دهد. بر این اساس، «نظارت شهروندان بر اقدامات پلیس از طریق سرمایه اجتماعی باعث می‌شود افسران پلیس از قدرت و زور خود کم‌تر سوءاستفاده کرده و پلیس نیز کنترل بیشتری بر نیروهای خود داشته باشد. در نتیجه، در جامعه‌ای که دارای سطح بالایی از سرمایه اجتماعی است به جامعه‌ای که سطح پایینی از سرمایه اجتماعی دارد، تعداد شکایت شهروندان از پلیس به دلیل سوءاستفاده از قدرت و اعمال زور نیز کم‌تر خواهد بود. همچنین، به دلیل کنترل پلیس و نیروهای خود در قبال استفاده از زور نیز نرخ شکایت از شهروندان از پلیس کاهش می‌یابد» (مرادی و همکاران، 1389: 104).

«جوامعی که سرمایه اجتماعی بالایی دارند، از طریق نظارت بر دولت، اعتراض رسمی در مقابل عدم کفایت یا اقدامات غیر قانونی یا قانونی از طریق بیان ترجیحات از طریق رأی دادن، نوشتن نامه، یا دیگر ابزارها می‌تواند به‌عنوان ابزارهایی به منظور کاهش جرم و جنایت باشد که با عملکرد پلیس اتفاق می‌افتد. لذا شناخت و آگاهی از خط مشی‌ها، تدابیر و... توسط بسیاری از شهروندان و همچنین مشارکت آن‌ها از طریق ابزارهای مختلف برای پاسخگو بودن دولت مهم است. با این روش، شهروندان می‌توانند ترجیحات خود را بیان نموده و پلیس نیز مراقب منافع آن‌ها

باشد» (Choi,2010,47) با توجه به این امر، مشارکت سیاسی، اجتماعی و تقاضا از پلیس برای کاهش جرم در جوامع مدنی که اکثراً از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردارند منجر به عملکرد امنیت پایدار خوب پلیس در قبال جرم و پاسخ‌گویی به شهروندان شده و می‌توان این‌گونه مطرح کرد که در این جوامع، احتمال بیشتری دارد که نرخ پاک‌سازی جرم بالاتر باشد. یکی از ابعاد اساسی عملکرد امنیت پایدار پلیس که بیان شد، نوع نرخ پاک‌سازی است که «نشان دهنده نسبت بین تعداد موارد جرم حل شده به تعداد جرم گزارش شده به پلیس در یک دوره زمانی مشخص است، در جامعه‌ای که شهروندان فرهیخته‌ی بیشتری وجود داشته باشد، نظارت و بحث بیشتری در مورد پلیس وجود خواهد داشت. در نتیجه، منجر به فعالیت‌های کارا تر و مؤثرتر پلیس می‌شود. مشارکت بیشتر شهروندان در مناسبات اجتماعی به سمت افزایش رفاه و آسایش خود، فرصت‌های بیشتری را برای آن‌ها به منظور بحث درباره‌ی امور مدنی فراهم می‌آورد و آگاهی آن‌ها از مسائل سیاسی را بیش از پیش افزایش می‌دهد» (مرادی و دیگران، 1389: 97). در مقابل، در جوامعی که شهروندان دارای سرمایه‌ی اجتماعی کمی می‌باشند، به دلیل کمبود اطلاعات و دانش سیاسی - اجتماعی، شهروندان در فعالیت‌های اساسی از جمله مشارکت در تقویت عملکرد پلیس شرکت نمی‌کنند.

جوامعی که از سطح بالایی از سرمایه اجتماعی برخوردارند، احتمال حل دقیق تعارض هم در سطح میان شخصی و هم در سطح اجتماعی را افزایش می‌دهد، و هم‌چنین جوامعی که سطح اعتماد بین افراد را افزایش می‌دهد، موجب کاهش تخلفات، آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایت می‌شود. بر عکس، در جوامعی که اعتماد کافی به اخلاقیات و عملکرد سازمانی دستگاه‌ها از جمله پلیس وجود

نداشته باشد، شهروندان در جهت منافع شخصی عمل می‌کنند و تمایل بیشتری به سوءاستفاده از دیگران خواهد شد؛ در نتیجه، جرم و جنایت افزایش می‌یابد.

امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی پلیس

سرمایه اجتماعی در رابطه با عملکرد پایدار سازمان پلیس جامعه‌محور به معنای تحت اختیار در آوردن و کنترل ناهنجاری‌ها، آسیب‌های اجتماعی، جرم و جنایت، اعتیاد، خودکشی، فروپاشی خانواده و مانند آن است. سرمایه اجتماعی با فراهم ساختن زمینه‌ی نظارت و کنترل اجتماعی غیراقتدارآمیز در متن عملکرد سازمانی پلیس جامعه‌محور، شهروندان را برای جامعه‌پذیری و احترام به عرف و قانون، پایبندی به سنت‌ها، هنجارها، ارزش‌های اجتماعی (ملی - اسلامی) از یک سو و با معنایی ساختن زندگی اجتماعی برای شهروندان و زمینه‌سازی مشارکت فعال در توسعه همه‌جانبه جامعه از سوی دیگر و با رشد پیامدهای جمعی و عمومی که موجب سلامت کلی جامعه، پایداری و ثبات اجتماعی می‌شود و آماده بسط و نهادینه کردن امنیت اجتماعی پایدار می‌شود. «امنیت اجتماعی، به مثابه پیامد مثبت و مطلوب، حاصل اثر گذاری سرمایه اجتماعی بر زندگی فردی در قدم اول و زندگی جمعی به تبع آن است. بدین ترتیب، هرچند اصطلاح امنیت اجتماعی، مفهوم امنیت برای اجتماع را مطابق با نگرشی کل‌گرایانه در ذهن متبادر می‌سازد، اما اساس مفهوم امنیت اجتماعی و وجه ممیز آن از امنیت عمومی، امنیت ملی، امنیت کشور و مانند آن، تأمین امنیت مادی و معنایی فرد است. اگر در تأمین امنیت اجتماعی، تبعات و پیامدهای عمومی آن را در نظر داشته باشیم، منافع جمع بر فرد مقدم دانسته‌ایم؛ اما اگر صرفاً تحقق حقوق و منافع فرد را صرف نظر از هزینه‌های آن در نظر بگیریم، تقدم حقوق و منافع فرد بر جمع تأکید کرده‌ایم» (تقی لو، 1385: 240).

حفظ تقویت سرمایه اجتماعی به عنوان معلول یا متغیر مستقل در عملکرد پایدار پلیس جامعه محور، موجب تأمین امنیت اجتماعی در جامعه به عنوان معلول یا متغیر وابسته خواهد شد؛ زیرا نهادینه شدن کارکردها و کاربردهای سرمایه اجتماعی به مثابه قواعد راهنمای عمل در متن‌ها و موقعیت‌های مختلف اجتماعی، هر چند خود از مجرای رفتار متقابل شهروندان و پلیس در طول زمان شکل می‌گیرد و تکوین می‌یابد، لکن در جایگاه نهاد مستقر اجتماعی به صورت یک علت به بروز رفتارهای خاص مطابق با متن‌ها و موقعیت‌های اجتماعی مختلف می‌انجامد. در واقع، سرمایه اجتماعی و حفظ آن در پلیس جامعه محور به عنوان یک علت، بروز رفتارهای هنجارمند را به عنوان معلول ایجاب می‌کند و از این رو، حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی به جهت دامن زدن به رفتارهای هنجارمند، به صورت علی موجب تأمین امنیت اجتماعی یعنی کاهش ناهنجاری، جرم، جنایت، آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی، اعتیاد، خودکشی و مانند آن می‌شود. همان‌گونه که جیمز کلن می‌گوید «هنگامی که هنجاری وجود دارد و مؤثر هم هست، تشکیل شکلی نیرومند اگرچه گاهی هم آسیب‌پذیر از سرمایه اجتماعی را می‌دهد. هنجارهای نافذی که مانع جرم و جنایت باشند، این امکان را به وجود می‌آورند که اشخاص در یک شهر در ساعات شب با فراغ خاطر از خانه خارج شوند و افراد سالمند بی‌آنکه بیمی از بابت ایمنی خود داشته باشند، از منزل خود بیرون روند. اساساً، از مجرای تأثیر گذاری ارزش‌ها، هنجارها، عرف و سنت‌های اجتماعی (جامعه‌پذیرسازی شهروندان) پلیس می‌تواند امنیت اجتماعی پایدار را تحکم بخشد. در واقع، جامعه‌پذیری و باز تولید آن ملازم همیشگی سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی برای پلیس در یک جامعه خواهد بود. در واقع، تولید و بازتولید فرایند جامعه‌پذیری عملکردی پلیس در یک جامعه در قالب زنجیره‌های به هم پیوسته ارتباط متقابل با شهروندان، به صورت

پایان‌ناپذیر موجب استقرار و قوام امنیت اجتماعی خواهند شد. اهمیت این ارتباط میان سرمایه‌ی اجتماعی پلیس با امنیت اجتماعی، به‌ویژه زمانی درک می‌شود که در جامعه در حال گذر نوعی بی‌هنجاری همراه با تزلزل ارزش‌های اجتماعی وجود داشته باشد که منجر به نابهنجاری‌ها، آسیب‌ها، انحرافات، جرم و جنایت، اعتیاد و خودکشی، به مثابه مظاهر مختلف ناامنی اجتماعی یافت شود و این وضعیت منجر به افول سرمایه‌ی اجتماعی عملکرد پایدار پلیس جامعه‌محور و جامعه شده باشد. بر این اساس رابطه سرمایه‌ی اجتماعی و امنیت اجتماعی به‌ویژه در جامعه در حال گذار در عملکرد پلیس معنا پیدا می‌کند که در آن، افول سرمایه‌ی اجتماعی با بروز ناامنی اجتماعی در ارتباط است. بدین ترتیب، سرمایه‌ی اجتماعی عملکرد امنیت اجتماعی پلیس جامعه‌محور به تبع آن جلوگیری از وقوع جرم، جنایت و ناهنجاری، موجب زمینه‌سازی مشارکت مثبت و فعال شهروندان در زندگی اجتماعی می‌شود. در کنار این مسأله عملکرد پلیس جامعه‌محور با حفظ شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی درون-دادی و برون‌دادی، نقش مؤثری در بهبود کیفیت زندگی اجتماعی شهروندان خواهد داشت. اگر در جامعه این هنجار وجود داشته باشد که به دانش‌آموزانی که موفقیت بزرگ کسب می‌کنند، جایزه‌ای در خور داده شود، وظایف مدرسه بسیار تسهیل خواهد شد» (کلمن، 1384: 63-62). شاخص‌های سنجش سرمایه‌ی اجتماعی و ارتباط مفهومی آن با امنیت اجتماعی پایدار در سازمان پلیس جامعه‌محور با میزان همبستگی گروهی، درجه انسجام، میزان تأثیر ارزش‌ها و هنجارها بر رفتارها، میزان اعتماد و قاعده‌مندی رفتاری و شاخص‌های دقیق کمی چون میزان انحرافات اجتماعی، جرم و جنایت، اعتیاد، فروپاشی خانواده، طرح دعاوی و دادخواهی، خودکشی، فرار از پرداخت مالیات، رشوه و اختلاس و مانند آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. هرچه میزان آسیب‌های اجتماعی بالاتر باشد و همبستگی گروهی و درجه

انسجام جامعه پایین‌تر باشد، پلیس نقش مؤثری در افول سرمایه اجتماعی دارد، که نتیجه آن در قالب ناامنی اجتماعی در جامعه کاملاً مشهود است.

بر این اساس، باید کاربردهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی را پلیس به‌عنوان بستر تولید سرمایه اجتماعی به‌صورت خودجوش و رسمی در بین شهروندان ایجاد کند. همچنین انگیزه مشارکت مثبت و فعال شهروندان در عرصه‌های عملکردی پلیس فعال نماید، مبنای تجویزی اخلاق، حمایت از شهروندان در برابر آسیب‌ها، انحرافات اجتماعی و... می‌تواند از مهم‌ترین پیامدهای جمعی و عمومی عملکرد امنیت اجتماعی پلیس جامعه‌محور در تقویت سرمایه اجتماعی سازمانی در سطح جامعه باشد.

امنیت اجتماعی و اعتماد به پلیس

اعتماد اولین جزء سرمایه اجتماعی ارتباطات بین‌فردی و یا بین شهروندان و سازمان‌ها و نهادهای یک جامعه می‌باشد. در واقع، اعتماد عبارت است از تمایل فرد یا یک جمعی به قبول ریسک در یک موقعیت اجتماعی که این تمایل مبتنی بر حس اطمینان به این نکته است که دیگران به گونه‌ای انتظار می‌رود عمل نموده و شیوه حمایت‌کننده در پیش خواهند گرفت. به تعبیر فوکویاما، «اعتماد انتظاری است که در یک اجتماع منظم، صادق و دارای رفتار تعاونی، خود را نشان می‌دهد ... گیدنز دو نوع اعتماد را بیان می‌کند: اعتماد به افراد خاص و اعتماد به افراد یا نظام‌های انتظامی. اعتماد انتزاعی در برگیرنده آگاهی از مخاطره و فرد مورد اعتماد است. لذا در حالی که کنشگر می‌تواند به‌راحتی در مورد میزان ارزش اعتماد به افراد خاص قضاوت کند (بر اساس اطلاعات مربوط به تاریخچه آن فرد، انگیزه‌ها و شایستگی‌های او) می‌تواند دربارهٔ میزان ارزش اعتماد نسبت به دیگران تعمیم یافته

نیز دارای ایده‌ها و باورهایی باشد. افراد همچنین می‌توانند درباره‌ی میزان ارزش اعتماد نسبت به نظام‌های انتزاعی نظیر نهادها نیز دارای باورهایی باشند، از این فرایند می‌توان با سطح نهادی اعتماد نام برد. بخش دیگری از جایگاه اثرگذار سرمایه‌ی اجتماعی در سازمان پلیس در هر جامعه‌ای را باید در حوزه‌ی اعتماد به فعالیت‌ها و عملکرد جامعه‌محوری پلیس در میان شهروندان مورد تعمق و سنجش قرار داد. در واقع، یکی از شاخص‌های مفید درباره‌ی این‌که پلیس وظیفه و کارکردش را چگونه در جامعه و در قبال امنیت و نظم شهروندان انجام می‌دهد، اعتماد به پلیس باید دانست. ادراک شهروندان از اعتماد‌پذیری و مشروعیت پلیس موجب افزایش تمایل شهروندان برای همکاری با پلیس و پیروی از قانون می‌شود. اعتماد یک مفهوم انتزاعی است، اما به شدت ریشه در تجربه دارد؛ تعاملات افراد با دیگر افراد و تجربیات گذشته آن‌ها با نهادهای دیگر، انتظارات در باره‌ی این‌که چگونه باید در آینده به آن‌ها اعتماد کرد، شاخص اعتماد و رابطه‌ی آن با سرمایه‌ی اجتماعی شکل می‌دهد. «یک افسر پلیس هنگامی مورد اعتماد واقع می‌شود که شهروندان معتقد باشند او مطابق با هنجارهای اجتماعی افسران پلیس رفتار خواهد کرد. اگر افسران چنین رفتاری از خود نشان دهند، به‌عنوان یک افسر پلیس مورد اعتماد شناخته خواهند شد. افسران پلیس اعتماد مردم را از طریق رفتارشان کسب می‌کنند. بنابراین اعتماد به پلیس، یکی از مهم‌ترین و باارزش‌ترین شاخص‌های عملکرد پلیس است. این عملکرد از طریق نظرسنجی از شهروندان اندازه‌گیری می‌شود» (Choi, 2010, 47).

در واقع، اعتماد شهروندان به عملکرد سازمان پلیس جامعه‌محور، نوعی روان‌کننده‌ی حرکت توسعه‌مند تقویت سرمایه‌ی اجتماعی پلیس در هر جامعه‌ای می‌باشد. از جمله عواملی که می‌تواند اعتماد شهروندان به پلیس را افزایش دهد، کمک کردن پلیس به شهروندان در زمینه‌های مختلف است. کمک پلیس به شهروندان علاوه بر

افزایش اعتماد آنان به پلیس می‌تواند به منظور اهداف زیر انجام شود: «1- کاهش ترس شهروندان در باره مشکلات خاص در جامعه. 2- مشارکت مردم در حمایت از پلیس برای حل مشکلات. 3- آموزش شهروندان درباره آسیب‌پذیری آنها در برابر جرم و جنایت. 4- کمک به شهروندان در جهت حل مشکلات توسط خودشان» (مرادی و همکاران، 1389: 105).

بر این اساس، جوامعی که از سرمایه‌ی اجتماعی بالایی برخوردار باشند، نظارت شهروندان موجب انجام بهتر خدمات پلیس می‌شود، این امر به افزایش رضایت میان شهروندان شده و در نهایت، منجر به اعتماد بیشتر به پلیس می‌شود. همچنین، هنگامی که افراد تجربه خوبی از پلیس داشته باشند، بیشتر به آن اعتماد می‌کنند. هنگامی که شهروندان در زندگی مدنی مشارکت نداشته باشند، قادر نخواهند بود به نهادهایی که زندگی سیاسی آنها را اداره می‌کنند. «اعتماد به پلیس، انعکاسی از فعالیت مدنی و نگرش‌های شهروندان به اعتماد اجتماعی است که در زندگی مدنی‌شان آموخته‌اند. اگر سرمایه اجتماعی کاهش یابد، اعتماد نیز کاهش خواهد یافت. شهروندانی که در فعالیت‌های مدنی مشارکت دارند، با افراد بیشتری ملاقات کرده و از تعامل با آنها اعتماد بین شخصی را یاد می‌گیرند. شهروندانی که در فعالیت‌های مدنی شرکت نمی‌کنند، در خود احساس کمبود می‌کنند که از لحاظ سیاسی تأثیرگذار نیستند. این امر موجب احساس عدم قدرت شده و بدبینی و عدم اعتماد به نهادهای سیاسی از جمله پلیس را به دنبال دارد» (putnam, 1993: 37). بنابراین، می‌توان اینگونه مطرح نمود که سطوح بالای سرمایه‌ی اجتماعی به‌طور مثبتی با اعتماد شهروندان به پلیس رابطه دارد.

نتیجه گیری

در واقع، عملکرد پایدار پلیس جامعه‌محور، برای افزایش سرمایه اجتماعی در بین شهروندان یک جامعه می‌تواند از طریق مشارکت در فعالیت‌های سیاسی و تقاضاهای پلیس برای کاهش جرم در جوامعی باشد که از سطوح بالای سرمایه اجتماعی برخوردار است. هرچه این امر تقویت شده باشد پلیس در نرخ پاک‌سازی جرم در محلات و جامعه، برخورد با سوءاستفاده‌کنندگان از قدرت و اعمال زور در سازمان، رسیدگی سریع و مؤثر بر تعداد شکایت شهروندان، کاهش آسیب‌های اجتماعی، افزایش اعتماد شهروندان به عملکرد سازمانی و... نیز موفق‌تر خواهد بود.

همان‌گونه که بیان شد، الگوهای کنترل اجتماعی متناسب با رشد تغییرات و تحولات جامعه باید مورد بازبینی قرار گیرد. الگوی جامع‌محور بودن پلیس از جمله الگوهایی است که ضمن رجعت به جامعه از توانایی سرمایه اجتماعی نهفته شهروندان در جامعه برای تقویت و برقراری نظم و امنیت استفاده کرده؛ و از این طریق، از سمت الگوهای سنتی کنترل اجتماعی به سوی الگوهای کارآمد و مدرن نظارت اجتماعی حرکت می‌کند. در واقع، پلیس جامعه‌محور سعی دارد از طریق شرایط پیچیده اجتماعی و جرایم متنوع آن، ضمن بهره‌مندی از پشتیبانی‌های فناورانه از حمایت‌های مردمی و شهروندی نیز در برقراری امنیت اجتماعی برخوردار باشد؛ لذا حفظ و بازبینی فرایند جامعه‌پذیری و پارامترهای سرمایه اجتماعی به این عملکرد درک و معنای خاصی می‌بخشد.

در واقع، عملکرد پایدار پلیس باید متناسب با فرایند جامعه‌پذیری مسلط در جامعه در جهت آموزش و نهادینه کردن ارزش‌ها، هنجارها، عرف، سنت‌ها، و پیامدهای مثبت جمعی باشد. این فرایند به مثابه نوعی سرمایه اجتماعی است، که به عنوان شرط لازم امنیت اجتماعی پایدار برای برقراری نظارت و کنترل اجتماعی همه‌جانبه و مستمر در جامعه مدنی امری ضروری است. از سوی دیگر سرمایه اجتماعی

پلیس باید زمینه‌سازی مشارکت مثبت و فعال شهروندان در زندگی اجتماعی باشد که به واسطه‌ی مکانیسم کنترل اجتماعی و اجتماعی‌شدن هنجارها، ارزش‌ها و سنت-ها تأمین امنیت اجتماعی تقویت می‌گردد. از بُعد عملی سرمایه‌ی اجتماعی در حوزه پلیس جامعه‌محور امری لازم و ضروری برای جامعه‌ی مدنی است. با توجه به اهمیت امنیت اجتماعی در افزایش عملکرد امنیت پایدار پلیس در جامعه، با اختصاص منابع بیشتر در جهت ایجاد و اجرای برنامه‌هایی که باعث افزایش سرمایه‌ی اجتماعی می‌شود، می‌توان با کاهش جرم و جنایت، اعتماد بیشتر به پلیس و به‌طور کلی بهبود عملکرد پلیس شد. همچنین، با توجه به اینکه پاسخ پلیس به شهروندان، نقشی اساسی در شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی و اعتماد به پلیس ایفا می‌کند، پلیس می‌تواند با افزایش و بهبود سیستم پاسخگویی خود به مردم، به افزایش اعتماد شهروندان به پلیس کمک کند. اجرای برنامه‌هایی که مردم نیز به پلیس در انجام وظایف‌شان کمک کند، نیز می‌تواند تأثیر زیادی بر عملکرد پلیس داشته باشد. همچنین سیاست‌های حکومت و دولت باید از طریق ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی به اشکال مختلف، جامعه‌پذیری بیشتر رفتار و انگیزه‌های شهروندان نسبت به عملکرد پلیس دگرگون سازد. لازمه‌ی تغییر رفتار و انگیزه‌های مردم نیز به وجود آوردن احزاب و انجمن‌های گوناگون نمونه‌هایی از برنامه‌های تقویت اعتماد به پلیس و ارتقای سرمایه‌ی اجتماعی سازمان در اذهان شهروندان است. به همین دلیل، سیاست‌های حکومتی و دولتی باید برای تقویت سرمایه‌های اجتماعی در جامعه، زمینه‌ی مشارکت فعال مردم در انجمن-های داوطلبانه را فراهم سازد و از این طریق، باعث تعاملات گسترده‌ی شهروندان با پلیس گردد. چنین فعالیت‌هایی عملکرد سازمان پلیس را در افزایش اعتماد شهروندان به الگوی جامعه‌محور ارتقا داده و جرم و جنایت در جامعه را کاهش خواهد داد.

راهکارها

با توجه به چنین پیامدهایی که سرمایه اجتماعی در حوزه عملکرد پلیس جامعه‌محور خواهد داشت، بر آن هستیم که راهبردها و راهکارهایی را جهت تقویت معنایی و عملی سرمایه اجتماعی پلیس جامعه‌محور در سطور ذیل بیان کنیم:

1. پلیس با ارتباط متقابل با انجمن‌های غیردولتی (NGO) باید در جهت برقراری نظم ملی و بسط و نهادینه کردن ارزش‌ها و هنجارهای کنترل اجتماعی سیاست‌ها و راهکارهایی را در بین شهروندان اتخاذ نماید.

2. ضرورت دائم و مستمر آموزش‌های عرضی و تکمیلی بر مبنای کاربردهای پلیس جامعه‌محور به صورت همزمانی (استفاده از تکنولوژی و تجربیات سازمانی و مردمی) در جهت کاهش آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی امری ضروری است.

3. تدوین راهبردها و راهکارهای نهادینه شده و مستمر برای اجرای الگوی پلیس جامعه‌محور در رده‌های سازمانی لازم به نظر می‌رسد.

4. پلیس جامعه‌محور باید در جهت بهبود زندگی اجتماعی شهروندان از ابزارهای فناورانه، تکنولوژیکی، تبلیغاتی و... در جهت اقناع و ترغیب مشارکت شهروندان تدابیر فرهنگی و اجتماعی اتخاذ نماید.

5. پلیس جامعه‌محور در جهت کمک به اداره دموکراسی حاکمیت باید شهروندان را در اجرای نظم و برقرای امنیت اجتماعی به مشارکت فعال ترغیب و تشویق نماید.

6. پلیس باید در جهت توسعه ضرورت‌مند و همه‌جانبه جامعه، بهداشت و رفاه عمومی را از طریق ارائه خدمات اجتماعی به شهروندان با توجه به عملکرد و کارکردهایی سازمانی خود بسط و نهادینه نماید.

7. اقدامات و فعالیت‌های عملی در جهت ارتباط و پیوند نزدیک و صمیمانه شهروندان و پلیس برای همکاری در برقراری نظم و امنیت و همچنین استفاده سازمان یافته از مشارکت‌های شهروندی.
8. تلاش برای تقویت بسیج مردمی و شهروندی در حفاظت از محلات و مناطق شهری و روستایی.
9. کاهش فرایند انجام‌کاری و تسریع در خدمات‌رسانی به شهروندان با رعایت استانداردهای جهانی و سازمانی.
10. پلیس جامعه‌محور باید در جهت کمک به مشکلات جمعی، خانوادگی شهروندان از جمله جوانان، باید آموزش‌های مستمر و پایداری را در جهت کاهش تخلفات جرم و بهبود تربیت پرورش با مشارکت سایر نهادهای جامعه تدوین نماید.

منابع

- کلمن، جیمز، (1384). نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی در سرمایه اجتماعی. در اعتماد، دموکراسی و توسعه به کوشش کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، نشر شیرازه، تهران، صص 41-90.
- علی نژاد، منوچهر، (1388). سرمایه اجتماعی و پیوند آن با پلیس جامعه محور. دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال ششم، شماره 27، بهمن و اسفند ماه، تهران. صص 105-88 قابل دسترس در www.sid.ir.
- تقی لو، فرامرز، (1385). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با امنیت اجتماعی. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره دوم، شماره مسلسل 32، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، صص 257-240. قابل دسترس در www.sid.ir.
- شارع پور، محمود، (1373). ابعاد و کارکرد های سرمایه اجتماعی و پیامدهای حاصل از فرسایش آن. در بررسی مسائل اجتماعی ایران انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران، صص 88-63.
- میس، ادوین، اورتمایر، پی جی، (1385). رهبری، اصول اخلاقی و امور پلیس (چالش های پیش روی پلیس در قرن بیست و یکم)، حسین شاکری، انتشارات سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا، تهران.
- صنوبری، محمد، (1387). سرمایه اجتماعی و عملکرد مأموران پلیس در حراست از جامعه. دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال پنجم، شماره 20، آذر و دی ماه، تهران، صص 119-99 قابل دسترس در پورتال جامع علوم انسانی (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی).
- مرادی، مرتضی، جلیلیان، حمید رضا، کریمی، داود، (1389). رابطه سرمایه اجتماعی با عملکرد پلیس. دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال هفتم، شماره 31، مهر و آبان ماه، تهران، صص 108-95. قابل دسترس در www.sid.ir.

- توسلی، غلام عباس، موسوی، مرضیه، (1374). مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه های سرمایه اجتماعی. نامه علوم اجتماعی، شماره 26، زمستان، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، صص 1-32 قابل دسترس در www.sid.ir.
- چلبی، مسعود، (1375). جامعه شناسی نظم (تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی). چاپ اول، نشر نی، تهران.
- Choi, C.G. (2010) Exploring the Effects Of Social Capital On police Performance in U.S Cities. dissertation Submitted to the Department of public Administration Policy in partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy, College of Art and Science, The Florida State University. Available At: <http://proquest.unit.com/pqdweb>.
- Putnam, R.D. (1993), The Prosperous Community: Social Capital and Public Life, The America Prospect. vol.4, pp35-42.

